

## نگاه انتقادی قرآن کریم به تثلیث مسیحی

بهر روز افشار<sup>۱</sup>

### چکیده

بر اساس عقیده تثلیث، خدا یک حقیقت سه گانه است و پدر، پسر و روح القدس هر سه دارای الوهیت‌اند. تاکید بر یگانگی در عین سه گانگی ذات خداوند، این عقیده را تناقض آمیز، و فهم و پذیرش آن را بسیار دشوار نموده و در نهایت، به امری فراتر از ادراک بشری تبدیل کرده است. بررسی تاریخ پر فراز و نشیب تثلیث نشان می‌دهد که عوامل مختلفی در پیدایش، تحولات و تبیین و تفسیرهای مختلف آن دخیل بوده‌اند.

قرآن کریم، عقیده تثلیث را کفر آلود، غالیانه، وارداتی و بر ساخته، متضاد با آموزه‌های توحیدی حضرت عیسی (ع) و معتقدان آن را در خور عذاب الهی می‌داند. بر اساس خداشناسی و مسیح شناسی قرآن کریم، مبانی و مفاهیم الاهیات تثلیثی از قبیل فرزند داشتن خدا، الوهیت، پسر و زاییده خدا بودن مسیح (ع)، آموزه‌ی این همانی الله و مسیح (ع) با چالش‌های جدی و مبنایی رو به روست. این مقاله با عنوان «نگاه انتقادی قرآن کریم به تثلیث مسیحی» با روش مطالعه کتابخانه‌ای و با استفاده از منابع اصیل؛ همچون قرآن کریم و کتاب مقدس و اسناد و مدارک موجود در صدد شناخت نظر قرآن کریم نسبت به نظریه تثلیث مسیحی است. تبیین تثلیث، مفهوم‌شناسی آن، علت پیدایش آن و کلام انجیل راجع به آن و نیز بررسی آیات قرآن کریم درباره تثلیث مهمترین مباحث این بررسی را تشکیل می‌دهد.

### واژگان کلیدی

تثلیث مسیحی، انجیل، قرآن کریم، توحید اسلامی، شرک.

<sup>۱</sup> - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بابل، دانشکده علوم انسانی، گروه الهیات، بابل، ایران

تاریخ دریافت: ۹۱/۴/۱۹ پذیرش نهایی: ۹۱/۸/۱۴

### طرح مسئله

در اینکه مساله تثلیث ریشه و منشأ در کجا دارد و چگونه وارد حوزه کلامی مسیحیت شده است دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. ویل دورانت به موقعیت خاص جغرافیایی فلسطین اشاره دارد که در آن زمان همچون چهار راهی بود که از اندیشه‌های شرک آلود مصر، ایران، هند و روم کاملاً تاثیر پذیرفت. پائولس و هم پدران اولیه کلیسا به راحتی توانستند با جذب عناصر بیگانه، دین جدید (مسیحیت پائولسی) را قابل پذیرش کنند. اصطلاح پسر خدا در قدیم معمول بود و بسیاری از پادشاهان خود را پسر خدا می‌نامیدند (دورانت، ۱۳۶۷: ۶۹۷/۳) به طور مثال افکار مربوط به تثلیث در مصر باستان با نام‌های «آوزیریس، ایزیس، هروس» (فضائی، ۱۳۷۱: ۲۹۱)، در هند باستان به صورت برهما، ویشنو، شیوا (آشتیانی، ۱۳۶۷: ۴۷۴)، در عرب جاهلی با تعابیر «الله، لات، بعل» (ظهوری‌فر، ۱۳۷۸: ۵) و بسیاری از موضوعات دیگر مانند کلمه، فدا و ... وجود داشته، رایج بود و لذا پائولس که هم با مذهب یهود آشنایی داشت و هم فلسفه یونانی را آموخته بود به خوبی توانست برای اولین بار این مسائل و تفکرات را به گونه‌ای هماهنگ تفسیر نموده و وارد مسیحیت کند. (بی‌ناس، ۱۳۶۹: ۶۱۷)

### سیر تحول عقیده تثلیث

تثلیث یکی از اعتقادات مهم و بنیادین آئین مسیحیت است که الوهیت خدای سه گانه پدر، پسر و روح القدس را بیان می‌کند و براساس این عقیده، ذات خداوند، یگانه است ولی در سه شخص یا سه اقنوم جدا یعنی پدر، پسر و روح القدس متجلی می‌گردد. پس از عروج عیسی (ع)، مشکل اصلی جامعه مسیحیت که به موازات فشارها و محدودیت‌های حکومت روم، جامعه مسیحی را دچار تزلزل می‌کرد، اختلاف نظرهای کلامی درباره ماهیت و شخصیت حضرت مسیح (ع) بود.

در قرن دوم میلادی ترتولیان (Tertulianus) برای نخستین بار از کلمه‌ی تثلیث (tinnity) استفاده کرد و ماهیت خدا را به صورت ذات واحدی که از سه شخص تشکیل شده، بیان کرد. بعدها متکلمان مسیحی دیگری چون ایرینوس و اریگن دیدگاه‌های مشابهی ارائه کردند. (آلیستر، ۱۳۸۵: ۳۲۳؛ Warfield, 1992: p301)

بحث‌های کلامی درباره تثلیث در قرن سوم میلادی ادامه یافت و الوهیت حضرت

عیسی (ع) اصل پذیرفته شده بیشتر فرق مسیحی بود ولی میزان و چگونگی ارتباط آن با خدای پدر مورد اختلاف آنان بود در حدود سال ۳۱۸ میلادی اسقف اسکندریه، الکساندر، با تاکید بر اتحاد اقاییم سه گانه درباره «راز بزرگ تثلیث» سخن گفت و کشیشی به نام آریوس در اعتراض به او، وی را به سابلیانسم متهم نمود (گریدی، ۱۳۶۷: ۱۵) سابلیانسم منسوب به شخصی بنام سابلیوس، یکی دیگر از متکلمان مسیحی در قرن سوم میلادی بود که تثلیث را وارد مرحله‌ای جدیدتر کرد و بیان نمود که خدا در سه شکل متوالی در تاریخ عمل می‌کند: در آغاز به عنوان خالق و تاریخ یعنی پدر، بعد به عنوان پسر و در شکل عیسی مسیح (ع)، از مریم متولد و مصلوب شد و پس از آن به عنوان روح القدس به تطهیر و حیات بخشی مومنان می‌پردازد. (ایلخانی، ۱۳۸۲: ۹۸)

آریوس (Arius) با نفی ازلی بودن و ذات الهی داشتن پسر، انسان بودن مسیح را دوباره مطرح کرد و با طرح این ایده، وحدت نظر کلیسا را مورد تفرقه قرار داد و در نهایت در سال ۳۲۵ میلادی شورایی متشکل از ۳۱۸ اسقف در شهر نیقیه تشکیل شد و در این شورا جناح آریوس با ردّ هم ذات بودن شخصیت‌های تثلیث بر مشابه بودن ذات آنها تاکید می‌کرد و در مقابل الکساندر و یکی از همفکرانی که «آتاناسیوس» نام داشت، به شدت بر هم ذات بودن پسر و روح القدس با پدر اصرار داشت. وی هر چند پذیرفت که مجسم ساختن سه شخص با وجودی متمایز در یک خدا، دارای اشکال است، ولی در مقام دفاع، آن را رازی بزرگ خواند که باید در برابرش سکوت نمود و سر تعظیم و تسلیم فرود آورد. (میلر، ۱۹۲۶: ۲۴۴)

با رأی شورا به نفع آتاناسیوس، اعتقاد نامه‌ای تصویب شد که نخستین سند رسمی تثلیث به شمار می‌رود و بعدها به اعتقاد نامه نیقیه معروف شد در متن این اعتقاد چنین آمده است:

«ما ایمان داریم به خدای واحد، پدر قادر مطلق و خالق همه چیزهای مرئی و نامرئی و به خداوند واحد، عیسی مسیح پسر خدا، مولود از پدر، یگانه مولود که از ذات پدر است، خدا از خدا، نور از نور، خدای حقیقی از خدای حقیقی، که مولود است نه مخلوق، از یک ذات با پدر، به وسیله او همه چیز وجود یافت. آنچه در آسمان است و آنچه بر زمین است

و او به خاطر ما آدمیان و برای نجات ما نزول کرد و مجسم شده و انسان گردید و زحمت کشید و روز سوم برخاست و به آسمان صعود کرد و خواهد آمد تا زندگان و مردگان را داوری نماید و (ایمان داریم) به روح القدس و کلیسای جامع رسولان و لعنت باد بر کسانی که می‌گویند زمانی بود که او وجود نداشت و یا آنکه پیش از آنکه وجود یابد نبود، یا آنکه از نیستی به وجود آمد و بر کسانی که اقرار می‌کنند، وی از ذات یا جنس دیگری است و یا آنکه خدا خلق شده یا قابل تغییر و تبدیل است.» (بی‌ناس، ۱۳۶۹: ۲۸۶) ابتدا پنج اسقف و در نهایت، دو اسقف از امضای بیانیه نیکیه خودداری کردند. آن دو، به همراه آریوس تکفیر و تبعید شدند و به فرمان امپراتور همه کتاب‌های آریوس سوزانده و مجازات مرگ برای پنهان نگه داشتن آن تعیین شد. (گوستا و لوبون، ۱۳۸۰: ۷۷۱/۳؛ Charles, 1987: p183)

### واژه‌شناسی تثلیث

الیستر مک کراث از الهی‌دانان مسیحی می‌گوید: «واژگان و اصطلاحات تثلیث بی‌گمان یکی از مشکل‌ترین و بزرگترین دشواری‌هایی است که دانشجویان الهیات خود را با آن مواجه می‌بینند. در مورد عبارت «سه شخصیت یک ذات» حداقل چیزی که می‌توان گفت این است که چندان روشن‌گر نیست.» (الیستر، ۱۳۸۵: ۳۳۰) کتاب قاموس کلیسای مسیحی آکسفورد می‌نویسد: «تثلیث یعنی: یک خدا و یک جوهر در سه شخصیت پدر و پسر و روح القدس.» (oapora dictionary, 2005: p280)

دائرةالمعارف کاتولیک در این باره چنین می‌نویسد:

«تثلیث واحد است، ما به سه خدا اعتراف نمی‌کنیم بلکه به خدای واحد در سه اقنوم پس اقاویم تثلیث در یک الوهیت سهیم نیستند بلکه هر یک از آنها بطور کامل خدا هستند و واقعاً از هم متمایز هستند» (استوارت، ۱۳۸۵: ۶۲؛ Warfield, 1997, vol7: p632)

در دیکشنری وبستر در تعریف trinity آمده است: «اتحاد به شخص الهی، پدر، پسر و روح القدس در یک ذات (hypostases)<sup>۱</sup> بگونه‌ای که تمام این سه، یک خدا را

<sup>۱</sup> - Hypostases جمع hypostasis به معنی ذات substance یا جوهر (essence) است.

تشکیل می‌دهند نه سه شخص» (Merriam, 1382)

مترادف trinity همان trine و triality است و از tri به معنی three و nity به معنی unity گرفته شده است. triunity بهتر از واژه trinity است زیرا عقیده سه چیز در یک چیز بیان می‌کند. (James, 1930, 5/301)

"Ryrie" معتقد است که: تعریف تثلیث خیلی ساده نیست و تعاریف درست و نادرست زیادی از آن شده است و بهترین تعریف از آن warfield است. او می‌گوید: «فقط یک خدای واقعی است اما در قالب سه موجود الوهی که در جوهر یکسانند.» (Ryrie, 1987: p525)

### عقیده تثلیث و توحید در کتاب مقدس

در میان ادیان توحیدی، آئین یهود و اسلام معتقد به خدای واحد هستند که شائبه هیچ ترکیبی، حتی ترکیب ذهنی در وی نیست. مسیحیت نیز خود را از ادیان توحیدی و یکتاپرست می‌داند و شبهه شرک را از خود می‌زداید. با وجود اینکه هر سه فرقه مهم مسیحی تثلیث را در کنار توحید از اعتقادات اساسی و شاخصه هر مسیحی می‌دانند آموزه تثلیث که از سال ۳۲۵ میلادی در شورای نیقیه رسمیت یافت، با آموزه توحید ناسازگار است. متألهان مسیحی می‌کوشند تا دو آموزه تثلیث و توحید را به گونه‌ای تبیین کنند که تنافی آن از میان برداشته شود و «از این رو خدا را دارای یک ذات و سه اقنوم یا شخص می‌دانند و به دلیل اعتقاد به یکتایی ذات، خود را یکتاپرست و به دلیل اعتقاد به سه اقنوم، خود را پیرو تثلیث می‌شمرند.» (زیبایی نژاد، ۱۳۸۳: ۳۳۳)

### تصریح به توحید در متون عهد جدید

برخی عبارات عهد جدید در بیان توحید الهی چنین است:

«عیسی او را جواب داد که اول همه احکام این است که بشنو ای اسرائیل، خداوند خدای ما واحد است.» (مرقس، ۲۹/۱۲، یعقوب، ۲/۱۹) و در جای دیگر آمده است:

«زیرا که خدا واحد است و سوای او دیگری نیست.» (مرقس، ۱۲/۳۲)

عبارت «خدای ما واحد است» و «سوای او دیگری نیست» بیانگر نگرش توحیدی انجیل است.

### تصریح به پسر خدا بودن عیسی(ع)

در کنار این عبارت‌ها، آیاتی از عهد جدید برای اشاره به تثلیث مورد استناد قرار گرفته است. برخی از این عبارت‌ها عیسی را پسر خدا معرفی می‌کنند:

«آن‌گاه خطابی از آسمان رسید که این است پسر حبیب من که از او خوشنودم.» (متی، ۳/۱۷)

### معرفی خداوند به عنوان پدر

در برخی عبارت‌ها از خداوند به عنوان پدر یاد شده است:

«ای پدر! می‌خواهم آنانی که به من داده‌ای با من باشند. زیرا که مرا پیش از بنای

جهان محبت نمودی.» (یوحنا، ۱۰/۳۰)

«کسی که مرا دید، پدر را دیده است.» (همان، ۱۴/۹)

### تصریح به الوهیت عیسی(ع)

برخی آیات هم به الوهیت عیسی مسیح تصریح و یا اشاره کرده‌اند:

«در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود، همان در ابتدا نزد خدا بود،

همه چیز به واسطه او آفریده شد و به غیر از او چیزی از موجودات وجود نیافت.» (همان، ۱/۱)

«پس به او، [عیسی] معتقد هستیم. اوست خدای حق حیات جاودانی.» (همان، ۵/۲۰)

«اگر به زبان خود، عیسی‌ای خداوند را اعتراف کنی، نجات خواهی یافت.» (رومان، ۱۰/۹)

«مبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی‌ای خداوند و محبت شما را به همه مقدسین

شنیدم.» (افسیسیان، ۱/۱۵)

تعبیر «کلمه خدا بود» و «اوست خدای حق» و «عیسی‌ای خداوند» بیانگر اعتقاد به

الوهیت عیسی مسیح(ع) است.

### تصریح به الوهیت روح القدس

بعضی از آیات هم به الوهیت روح القدس اشاره کرده‌اند:

«او [روح القدس] همه چیز را به شما تعلیم خواهد داد.» (یوحنا، ۱۴/۲۶)

«اما خداوند روح است و جایی که روح خداوند است، آنجا آزادی است.» (دوم قرنتیان، ۳/۱۷)

در کنار عبارت‌هایی که بر ویژگی الوهی مسیح تأکید می‌کنند، عباراتی در عهد

جدید یافت می‌شود که ظاهراً با الوهیت مسیح و روح القدس سازگار نیست:

«و در حال الاغی با کره‌اش بسته خواهید یافت. آنها را بار کرده نزد من آورید و هرگاه کسی به شما سخنی گفت. بگوید خداوند بدین‌ها احتیاج دارد.» (متی، ۲۱/۲)

«ولی از آن روز و از آن ساعت [زمان رجعت] غیر از پدر، هیچ کس اطلاع ندارد؛ نه فرشتگان در آسمان و نه پسر هم.» (مرقس، ۱۳/۲۳)

«پسر از خود هیچ نمی‌تواند کرد، مگر آنچه ببیند که پدر به عمل آورد.» (یوحنا، ۵/۱۸)

تعبیر «خداوند بدین‌ها احتیاج دارد» و عدم آگاهی روح‌القدس از آینده و وابستگی عیسی به خداوند در فقره اخیر با ویژگی‌های؟؟؟ آنها در تضاد است.

اگرچه مسیحیت کلیسایی این اشکال را بدون پاسخ نگذاشته و معتقد است هر آیه‌ای در کتاب مقدس که حاکی از جهت نقصانی در مسیح باشد، این نقص مربوط به ذات انسانی اوست و به کمالات الهی که از ذات الهی‌اش نشأت گرفته است، ضرری نمی‌رساند.

### تصریح به اقاییم ثلاثه

با مطالعه در بخش‌های مختلف اناجیل پنجگانه تثلیث به وضوح دیده می‌شود. از جمله به فقره ذیل دقت کنید:

«پس رفته همه امت‌ها را شاگرد سازید و ایشان را به اسم اب و ابن و روح القدس تعمید دهید.» (متی، ۲۸/۱۹) عبارت «اب و ابن و روح القدس» مبین اقاییم ثلاثه است.

### تصریح به اتحاد عیسی با خداوند

لازم به یادآوری است که گاهی اطلاق لفظ خدا و یا پسر خدا به معنای اعتقاد به الوهیت نیست؛ و عیسی (ع) در حدّ یک انسان معمولی از الوهیت تنزّل نموده و با شاگردان اتحادی پیدا می‌کند که با خدای خود متحد می‌شد و ایمان به او ایمان به خداوند یکتا تلقی شده که البته برداشت صحیحی است.

«بلکه برای کسانی که به وسیله پیام و شهادت آنان به من ایمان خواهند آورد تا همه آنان یکی باشند، آن چنان که تو ای پدر در من هستی و من در تو و آنان نیز در ما یکی باشند، تا جهان ایمان بیاورد که تو مرا فرستاده‌ای. آن جلالی را که تو مرا فرستاده‌ای، آن جلالی را که تو به من داده‌ای، من به آنان داده‌ام تا آنها یکی باشند، آن چنان که ما یکی هستیم، من در آنان و تو در من، تا آنها به طور کامل یکی باشند.» (یوحنا، ۱۷/۲۰)

این جملات هم بیانگر آن است که اتحاد عیسی با خداوند از نوع اتحاد عیسی با شاگردان و اتحاد شاگردان با یکدیگر است. چنین اتحادی زمانی حاصل می‌شود که تمام آنها یک مقصود واحد و مقدس را با تمام توان و همراه با خلوص کامل دنبال کنند؛ «پس عیسی با صدای بلند گفت: هر که به من ایمان بیاورد، نه فقط به من، بلکه به فرستنده من نیز ایمان آورده است هر که مرا می‌بیند، فرستنده مرا دیده است.» (همان، ۱۲/۴۴)

### مسیح‌شناسی در قرآن کریم

#### الف) ویژگی‌های سلبی

قرآن کریم در آیات متعددی حضرت عیسی را با ویژگی‌های زیر معرفی می‌کند:

#### ۱- نفی الوهیت مسیح

قرآن درباره رد مسیح‌شناسی رایج بیان می‌کند که مسیح خدا نیست؛ «لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا أَنْ أُرَادَ يُهْلِكَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَ أُمَّهُ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» (مائده/ ۱۷)

«به راستی کسانی که می‌گویند خدا همان مسیح، پسر مریم است، کافر شده‌اند. بگو اگر خدا بخواهد مسیح پسر مریم و مادرش و اهل زمین همه را نابود کند، چه کسی می‌تواند او را باز دارد؟»

«لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَ قَالَ الْمَسِيحُ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَ رَبَّكُمْ إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَ مَاوَاهِ النَّارُ» (مائده/ ۷۲)

«به راستی کسانی که گفتند خداوند همان مسیح پسر مریم است، کافر شدند، حال آنکه مسیح می‌گفت ای بنی اسرائیل، خداوند را که پروردگار من و پروردگار شماست، پرستید که هر کس به خداوند شرک آورد، بهشت را بر او حرام می‌گرداند و جایگاه او دوزخ است.»

با توجه به آیات فوق، قرآن کریم معتقدان به الوهیت مسیح را کافر تلقی نموده و مستحق سخت‌ترین مجازات و عذاب دانسته است.

پس از حضرت عیسی مسیح، نصارا درباره او غلو کردند. عده‌ای گفتند او خداست، عده‌ای گفتند پسر خداست، عده‌ای دیگر قائل شدند که او یکی از سه خداست که عبارت



از اجزای تثلیث است. قرآن مجید هر سه قول را به نصارا نسبت می‌دهد و از آن می‌فهمیم که آنها در عقیده به سه گروه تقسیم شدند:

(لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ)؛ «کسانی که گفتند خدا همان مسیح پسر مریم است مسلماً کافر شده‌اند.» (مائده/ ۱۷)

این لفظ عیناً در آیه ۷۲ همین سوره تکرار شده است، عده‌ای از نصارا قائل بودند که عیسی مسیح پسر خداست و ظهور آن در این است که عیسی و خدا یکی است و خدا به بشر مبدل شده است، این آیه را گرچه می‌شود با تثلیث و ابن‌الله بودن تطبیق کرد، ولی ظهورش در اتحاد و یکی بودن خدا و عیسی است.

### ۲- نفی فرزند خدا بودن عیسی (ع)

(وَقَالَتِ الْنَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ) (توبه / ۳۰)؛ «و نصارا گفتند: مسیح، پسر خداست.» ظهور آیه در فرزند بودن عیسی است، گرچه با عقیده تثلیث نیز قابل تطبیق است.

### ۳- نفی تثلیث و اثبات عبودیت و پیامبری عیسی (ع)

(إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ فَآمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَلا تَقُولُوا ثَلَاثَةً) «مسیح، عیسی بن مریم، فقط پیامبر خدا و کلمه اوست که آن را به سوی مریم افکنده و روحی از جانب اوست. پس به خدا و پیامبرانش ایمان بیاورید و نگویند [خدا] سه گانه است.» (نساء / ۱۷۱)

### (ب) ویژگی‌های اثباتی

(الف) او بنده خداست؛ «گفت: منم بنده خدا، به من کتاب داده و مرا پیامبر قرار داده است.» (مریم / ۳۰)

(ب) او مخلوقی از مخلوقات خداست؛ «شأن عیسی برای خدا چون شأن آدم است که او را از خاک آفرید؛ سپس به او گفت موجود شود و بی‌درنگ موجود شد.» (آل عمران / ۵۹)

(ج) او پیامبری از پیامبران خداست؛ «مسیح پسر مریم جز پیامبری نیست که پیش از او هم پیامبرانی آمده بودند.» (مائده / ۷۵)؛ «جز این نیست که مسیح عیسی بن مریم پیامبر خداست.» (نساء / ۱۷۱)

د) تولد او معجزه آسا بود؛ «او در گهواره و در میانسالی با مردم سخن می‌گوید و از شایستگان است. مریم گفت: پروردگارا! چگونه مرا فرزندی باشد، حال آنکه دست هیچ بشری به من نرسیده است، گفت خداوند بدین سان هر چه را بخواهد می‌آفریند...» (آل عمران، ۴۶-۴۷)

و) او «کلمه الله» است؛ «جز این نیست که مسیح عیسی بن مریم کلمه اوست.» (نساء/ ۱۷۱)؛ «فرشتگان گفتند: ای مریم! خداوند تو را به کلمه خویش بشارت می‌دهد.» (آل عمران/ ۴۵)

از این جهت عیسی «کلمه الله» نامیده شده که مستقیماً با سخن «موجود شو» خدا به وجود آمده (آل عمران/ ۴۷) و برخی از اسباب عادی را نداشته است؛ پس مقصود از کلمه همان «کُن: موجود شو» است.» (سلیمانی، ۱۳۸۲: ۱۴۵)

برخی از آیات قرآن، اهل کتاب را عموماً و مسیحیت را خصوصاً از اعتقادات شرک آلود نهی فرموده است؛ «نصارا گفتند: مسیح، پسر خداست. این سخنی است [باطل] که به زبان می‌آورند، و به گفتار کسانی که پیش از این کافر شده‌اند شباهت دارد. خدا آنان را بکشد، چگونه [از حق] بازگردانده می‌شوند؟» (توبه/ ۳۰)

«کسانی که گفتند: خدا همان مسیح پسر مریم است، مسلماً کافر شده‌اند.» (مائده/ ۱۷) با توجه به آنچه نقل گردید، قرآن اهتمام زیادی در معرفی کامل و جامع حضرت عیسی و انحرافات که پس از ایشان شده است، مبذول داشته است و معتقدان به تثلیث و الوهیت اقاویم ثلاثه را کافر خوانده و آنها را به عذاب دردناکی انذار داده است. (مائده/ ۷۳)

### بررسی تطبیقی

مطالعه در آیات قرآن کریم جای تردید باقی نمی‌گذارد که این کتاب آسمانی، تثلیث مسیحی را خواه به تفسیر ارتدوکسی آن و خواه به تفاسیر دیگر نفی کرده است. برخی دانشوران مسیحی ادعا کرده‌اند که آنچه را قرآن در صدد نفی آن برآمده است، دیدگاه رسمی کلیسای مسیحی نیست، بلکه دیدگاه‌های است که برخی مسیحیان جزیره‌العرب، از جمله فرقه یعقوبی به آن معتقد بودند. عمده اشکال این دانشوران آن است که با آیات قرآن به شکل گزینشی برخورد کرده‌اند.

نگاه مجموعه‌نگر به تمام آیات مربوط به تثلیث، فضای بحث را روشن‌تر می‌سازد.

آیات الهی در این باب را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

### دسته اول، تأکید بر توحید و اشاره به نفی تثلیث

سوره اخلاص که به دلیل توصیف رسای توحید اسلامی به سوره توحید نام گرفته است، معنایی از توحید ارائه می‌کند که مستلزم نفی تثلیث است؛ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ\* اللَّهُ الصَّمَدُ\* لَمْ يَلِدْ\* وَ لَمْ يُولَدْ\* وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ» (اخلاص / ۴-۱)

«بگو خداوند یکتا و یگانه است، خداوندی است که همه نیازمندان قصد او می‌کنند. هرگز نژاد و زاده نشد و برای او هیچ گاه شبیه و مانندی نبوده است.»

لفظ «احد» که کاربرد اصلی آن در جملات منفی است، در کلام ایجابی تنها در مورد خداوند استعمال شده است و در وجودی دلالت می‌کند که نه در عالم خارج و نه در عالم ذهن، کثرت‌پذیر نیست. برخلاف واژه «واحد» که در موردی قابل استفاده است که فرض وجود نظایری حتی در ذهن موجود باشد. از این رو می‌توان گفت که در فرهنگ اسلامی خداوند دارای بساطت ذهنی و خارجی است و هیچ ترکیبی در وی راه ندارد، حال آنکه تثلیث مسیحی با گونه‌ای از ترکیب سازگار است.

واژه «الصمد» در سوره توحید نمایانگر شخصی است که تمام موجودات احتیاج خود را از او می‌طلبند و پناه از وی می‌جویند. چنین شخصی خود نمی‌تواند به دیگری محتاج باشد، حال آنکه عیسی در مواضعی از انجیل از پدر درخواست کمک کرده است، بنابراین نمی‌تواند از ویژگی صمدیت برخوردار باشد. وجود «ال» در این جمله که مبتدای آن معرفه است، دلالت بر حصر می‌کند؛ به این معنا که صمدیت ویژگی اختصاصی الله است.

عبارت «لم یولد» که در تفسیر واژه «الصمد» وارد شده، تولد چیزی از خداوند که تجزیه در نفس الهی و انفصال چیزی همانند از وی را نتیجه می‌دهد نفی می‌کند. بنابراین خدای پسر به هر معنایی که از تولد اراده شود، مورد تأیید قرآن نیست، به علاوه، تولد یافتن خداوند از چیزی دیگر را نیز مردود می‌شمارد. بنابراین خدای اسلام نه خداوند پدر است که از وی کلمه تولد شود، نه خدای پسر است که از خدای بشر تولید شده است، و نه روح القدس که از خدای پدر و پسر صادر شده است. عبارت «وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ» نیز بر این

نکته تاکید می‌کند که نباید هیچ چیزی را در کنار الله و همتای وی قرار داد و بنابراین همداتی و همتایی شخصیت‌های تثلیث را انکار می‌کند. (صدوق، ۱۳۶۸: ۴۰۸)

### دسته دوم: نفی صریح تثلیث

آیات قرآن به وضوح تثلیث مسیحی را چه به معنای ارتدوکسی آن و چه بر طبق تفاسیری که دیگر فرقه‌های مسیحی عنوان کرده‌اند، مردود می‌شمارد؛ «کسانی که به تثلیث قائل شده و گفتند خدا سومین شخص از سه شخص یا سه اقنوم است قطعاً کافر شده‌اند، و حال آنکه هیچ معبودی جز خدای یکتا نیست و اگر از آنچه می‌گویند باز نایستند، به کافران ایشان عذابی دردناک خواهد رسید.» (مائده/ ۷۳)

عبارت «أَلَمْ يَلِدْ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَ كَلِمَةً» که در مقام بیان حصر بیان شده، نسبت‌های غیر صحیح به عیسی، از جمله فرزند خدا بودنش را نفی می‌کند.

از نگاه قرآن، عیسی شخصیتی است که دو امتیاز مهم دارد: امتیاز اول مقام رسالت و امتیاز دوم، تولد معجزه‌آسای او با کلمه تکوینی خداوند، در امتیاز اول، تمام رسولان خداوند و در امتیاز دوم اولین پیامبر خدا با وی شریک‌اند؛ «ان مثل عیسی عند الله كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (آل عمران/ ۵۹)

«در واقع مثل عیسی در نزد خدا همچون مثل آدم است که او را از خاک آفرید، سپس بدو گفت باش، پس وجود یافت.»

### دسته سوم: مردود دانستن خدای پسر

آیاتی از قرآن کریم فرزند گزیدن خداوند را ناروا شمرده‌اند:

«و گفتند: [خدای] رحمان فرزندی اختیار کرده، منزّه است او، بلکه بندگان ارجمندند.»

(انبیا/ ۲۶)

«و گفتند: خداوند فرزندی برای خود اختیار کرده است. او منزّه است، بلکه هر چند

در آسمان‌ها و زمین است، از آن اوست [و] همه فرمان‌پذیر اویند.» (بقره/ ۱۱۶)

### دسته چهارم: نفی الوهیت مسیح

گروهی از آیات الوهیت مسیح را مردود می‌شمارند، برخی آیات ویژگی‌های انسانی وی را دلیلی بر رد الوهیتش شمرده‌اند و برخی دیگر در صدد بیان این مطلب‌اند که نباید او

را برتر از پیامبری والا پنداشت و تحت اراده خداوند است. «کسانی که گفتند خدا همان مسیح پسر مریم است، قطعاً کافر شده‌اند.» (مائده / ۷۲)

### دسته پنجم: نفی الوهیت روح القدس

ویژگی‌هایی که کتاب مقدس برای روح القدس بیان می‌کند، تصویری از روح القدس به دست می‌دهد که با تصویر جبرئیل منابع اسلامی شباهت فراوانی دارد. هدایت رسولان به واسطه روح القدس، تعلیم دادن روح القدس و خبر دادن از امور آینده را که در منابع مسیحی به روح القدس نسبت داده می‌شود، منابع اسلامی به جبرئیل نسبت داده‌اند. قرآن کریم جبرئیل را که والاترین فرشته خداست، به نام‌های روح‌الامین (شوری / ۱۹۳)، روح (مریم / ۱۷)، روح خدا و روح القدس (نحل / ۱۰۲) نامیده است، چنان که کتاب مقدس روح القدس را روح خدا نام داده است؛ «اما عیسی چون بعثت یافت فوراً از آب برآمد که در ساعت، آسمان بر وی گشاده شد و روح خدا را دید که مثل کبوتری نزول کرده می‌آید.» (لوقا، ۳/۳۱)

با این مقدمه می‌توان دریافت آنجا که قرآن کریم الوهیت ملائکه را نفی می‌کند، به نفی الوهیت روح القدس هم توجه کرده است: «مسیح از اینکه بنده خدا باشد ابا نمی‌ورزد و فرشتگان مقرب نیز ابا ندارند.» (نساء / ۱۷۳)

### دسته ششم: بندگی خداوند، محور تعالیم عیسی (ع)

بسیاری از آیات قرآن به این واقعیت اشاره می‌کند که عیسی (ع) خود را بنده خداوند می‌داند، بر نفی الوهیت خود پای می‌فشرد و مردم را از پرستش خود باز داشته و به پرستش خداوند ترغیب می‌نماید؛ «در حقیقت خداوند، پروردگار من و شماست، پس او را پرستید.» (زخرف / ۶۴)

### دسته هفتم: اسناد توحید به برخی از مسیحیان

آیه‌ای از قرآن کریم نشان می‌دهد که گروهی از مسیحیان تعالیم واقعی عیسی (ع) را ارج نهادند؛ «از میان آنان گروهی میانه رو هستند، و بسیاری از ایشان بد رفتار می‌کنند.» (مائده / ۶۶)

## نتیجه گیری

از مجموع مباحث مطروحه به نتایج زیر می‌توان دست یافت:

- ۱- قرآن کریم به شدت با نظریه تثلیث مخالفت کرد و هر نوعی از آن را در هر رتبه و درجه‌ای رد کرده و با آن به مقابله برخاسته است.
- ۲- در مجموع نگاه قرآن کریم را درباره‌ی تثلیث و شخصیت حضرت مسیح به هفت دسته می‌توان دسته‌بندی کرد: دسته اول آیاتی هستند که تاکید بر توحید و اشاره ضمنی به نفی تثلیث دارند مانند سوره اخلاص؛ دسته‌ی دوم از آیات به صراحت نافی تثلیث هستند مانند آیه ۷۳ سوره مائده و دسته‌ی سوم، فرزند خدا بودن عیسی(ع) را مردود دانسته و دسته چهارم و پنجم، الوهیت حضرت مسیح و روح القدس را انکار کرده همچون آیه ۷۳ مائده و نیز آیه ۱۹۳ سوره شوری و ۱۰۲ سوره نحل و دسته ششم از آیات به ویژگی‌های ایجابی حضرت عیسی(ع) پرداخته او را بنده خداوند دانسته و عبودیت را صفت ذاتی ایشان معرفی می‌کند مانند آیه ۶۴ سوره زخرف و سرانجام دسته‌ی هفتم از آیات به برخی از مسیحیان نسبت توحید می‌دهد چرا که به تعالیم واقعی حضرت مسیح ارج نهادند و با رفتار میانه و قابل قبول از او پیروی نمودند، چنانکه در آیه ۶۶ سوره مائده به این مطلب اشاره صریح شده است.

## فهرست منابع

### قرآن کریم.

- آلیستر، مک گراث (۱۳۸۵)، *درآمدی بر الهیات مسیحی*، ترجمه عیسی دیباج، تهران، کتاب روشن.
- آشتیانی، جلال‌الدین (۱۳۶۷) *تحقیقی در دین مسیح*، تهران، دانشگاه تهران.
- ایلخانی، محمد (۱۳۸۲)، *تاریخ فلسفه در قرون وسطی و رنسانس*، تهران، سازمان تدوین کتب علوم انسانی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۲)، *تثلیت از آغاز تا شورای قسطنطنیه*، معارف، شماره ۳۶، ص ۹۱.
- استوارت، الویت (۱۳۸۵)، *راز تثلیت*، تهران، امیر کبیر.
- بی‌ناس، جان (۱۳۶۹)، *تاریخ جامع ایران*، مترجم، علی اصغر حکمت، تهران، امیر کبیر.
- دورانت، ویل (۱۳۶۷)، *تاریخ تمدن، تهران*، مرکز نشر کتب اسلامیه.
- زیبایی‌نژاد، محمدرضا (۱۳۸۳)، *مسیحیت‌شناسی مقایسه‌ای*، تهران، امیر کبیر.
- سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم (۱۳۸۲)، *درآمدی بر الهیات تطبیقی*، ترجمه عیسی دیباج، تهران، کتاب روشن.
- صدوق، محمد بن الحسین (۱۳۶۸ش)، *توحید*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- فضائی، یوسف (۱۳۷۱)، *سیر تحولی دین‌های یهود و مسیح*، مشهد، آستان قدس رضوی.
- ظهوری‌فر، محمد، (۱۳۷۸)، *نگاهی به تثلیت در مسیحیت*، فصلنامه تخصصی علوم اسلامی، شماره ۲.
- گریدی، جوان (۱۳۸۲)، *مسیحیت و بدعت‌ها*، ترجمه عیسی دیباج، تهران، کتاب روشن.
- لوبون، گوستاو (۱۳۸۰)، *تاریخ تمدن اسلام و عرب*، ترجمه فخر، تهران، افراسیاب.
- میلر، و.م (۱۳۸۹)، *تاریخ کلیسای قدیم در امپراطوری روم و ایران*، ترجمه علی نخستین، تهران، اندیشه.

### منابع لاتین

- Charles, Ryrle (1987), *Basic theology*, victor books, Haly, Room.
- Earle. E. Caime (1967), *Christianity through the centuries grand rapids prees*, Jermamy.
- Merriam, webester (1382), *collegate dictionary*.
- Paul, Enns (1990), *The moody book of theology*, moody prees, Jermamy Berlin.
1. Warfield, B. B (1992), *Trinity*, Bible Encyclopedia, ed. Grand rapid Italy, Room..